

نگاه

ضرورت بیمه مسئولیت حرفه‌ای برای وکلا



دلارام نیکدل

وکیل پایه یک دادگستری

وکالت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام قضائی، نقشی حیاتی در تحقق عدالت و دفاع از حقوق افراد ایفا می‌کند. وکلا در جایگاه نمایندگان قانونی موکلان خود، مسئولیت‌های سنگینی بر عهده دارند که گاهی ممکن است با خطاهای یا چالش‌هایی همراه شود. در چنین شرایطی، موضوع بیمه وکالت به‌عنوان ابزار و سپر امنی برای حمایت از وکلا و موکلان مطرح می‌شود. بیمه وکالت یا به تعبیر دقیق‌تر بیمه مسئولیت حرفه‌ای وکیل، سازوکاری است که هدف آن پوشش ریسک‌های حرفه‌ای وکلا و جبران خسارات احتمالی ناشی از خطاهای غیرعمد در فرایند وکالت است. این مفهوم در بسیاری از کشورهای پیشرفته به‌بخشی جداناپذیر از حرفه وکالت تبدیل شده، امّا در ایران هنوز به‌صورت نظام‌مند پیاده‌سازی نشده است. در این یادداشت ابتدا به تعریف بیمه وکالت و اهمیت آن پرداخته می‌شود و سپس با توجه به ساختار نظام حقوقی ایران، راهکارهایی برای ایجاد این نوع بیمه پیشنهاد خواهد شد.

بیمه وکالت (Professional Liability Insurance for Lawyers) نوعی بیمه مسئولیت حرفه‌ای است که وکلا را در برابر ادعاهای ناشی از اشتباهات، غفلت‌ها یا قصور غیرعمدی در انجام وظایف حرفه‌ای خود محافظت می‌کند. این بیمه معمولاً خسارات مالی را پوشش می‌دهد که ممکن است به موکلان یا حتی اشخاص ثالث وارد شود. حرفه وکالت به دلیل ماهیت پیچیده و حساس خود، همواره با ریسک‌هایی همراه است؛ وکلا در معرض ادعاهای حقوقی متعددی قرار دارند که ممکن است ناشی از سوءتفاهم، خطای انسانی یا حتی تفسیر نادرست از قوانین باشد. بدون وجود بیمه وکالت، وکلا ممکن است مجبور شوند شخصاً هزینه‌های سنگین جبران خسارت را پرداخت کنند که این امر می‌تواند به ورشکستگی مالی یا کاهش انگیزه فعالیت حرفه‌ای منجر شود. از سوی دیگر، موکلان نیز در صورت نبود چنین سازوکاری، ممکن است در جبران خسارات خود با مشکل مواجه شوند؛ به‌ویژه اگر وکیل توانایی مالی لازم را نداشته باشد. علاوه بر این، بیمه وکالت می‌تواند به ارتقای کیفیت خدمات حقوقی کمک کند. وکلایی که تحت پوشش بیمه هستند، انگیزه بیشتری برای رعایت استانداردهای حرفه‌ای و کاهش خطاهای دارند؛ زیرا شرکت‌های بیمه معمولاً شرایط خاصی ازجمله آموزش مداوم و رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای را برای ارائه پوشش بیمه‌ای در نظر می‌گیرند.

در نظام حقوقی ایران، حرفه وکالت تحت نظارت کانون‌های وکلای دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه قرار دارد. اگرچه پیش‌فروش‌های اندکی در دهه اخیر در این حوزه صورت گرفته، امّا هنوز سازوکار مشخصی برای بیمه وکالت به‌صورت اجباری یا اختیاری تدوین نشده است. یکی از چالش‌های موجود در ایران، فقدان قوانین و مقررات مشخص برای تعریف مسئولیت حرفه‌ای وکلا و وجود جبران خسارات ناشی از خطاهای آنهاست. در حال حاضر، اگر وکیلی مرتکب قصور شود، مسوکل باید از طریق طرح دعوای حقوقی علیه وکیل اقدام کند که این فرایند اصولاً زمان‌بر و پرهزینه و معمولاً بی‌فراخ است. همچنین فقدان آگاهی عمومی وکلا و موکلان درباره مزایای بیمه وکالت، مانع دیگری در توسعه این سازوکار محسوب می‌شود. یکی از عوامل مؤثر بر گسترش بیمه وکالت در کشورهای توسعه‌یافته، وجود ساختارهای سازمان‌یافته حرفه‌ای مانند شرکت‌های حقوقی (Law Firms) و حضور فعال سرمایه‌گذاران خارجی در فضای اقتصادی و حقوقی آن کشورهاست. در چنین بستریابی، وکالت از شکل سنتی فردمحور خارج شده و به فعالیتی گروهی، حرفه‌ای و مبتنی بر پاسخ‌گویی تبدیل شده است. در مقابل، ساختار حقوقی ایران همچنان بر محور وکالت فردی و دفاتر شخصی وکلا استوار است که در آن، مسئولیت‌ها به‌صورت انفرادی تعریف می‌شوند و فرهنگ پاسخ‌گویی جمعی و نظام‌مند کمتر وجود دارد. در کشورهای میزان شرکت‌های حقوقی بزرگ، وجود موکلان سازمانی، شرکت‌های چندملیتی، بانک‌ها و نهادهای بین‌المللی سبب شده است بیمه مسئولیت حرفه‌ای وکیل به یکی از الزامات غیرقابل چشم‌پوشی برای خدمات و فعالیت‌های حقوقی تبدیل شده است. این موکلان به دلیل ارزش بالای موضوعات مورد مشاوره یا موضوع وکالت، ریسک‌های حقوقی سنگین و الزامات حاکم بر ساختار خودشان، همواره خواستار آن هستند که وکلایشان تحت پوشش بیمه‌های حرفه‌ای باشند. در ایران، به دلیل نبود بستری‌های گسترده سرمایه‌گذاری خارجی و محدودیت فعالیت شرکت‌های بین‌المللی، چنین سطحی از مطالبه برای بیمه وکالت شکل نگرفته است. در غیاب موکلان بزرگ و حرفه‌ای، نیاز به سازوکارهای بیمه‌ای به‌درستی احساس نمی‌شود و همین موضوع، یکی از موانع فرهنگی و ساختاری پیش‌روی توسعه بیمه وکالت در کشور است. تا زمانی که وکالت در ایران از حالت فردمحور خارج نشود و نهادهای حقوقی به‌صورت شرکتی و پاسخ‌گو سازمان‌دهی نشوند، فرهنگ بیمه مسئولیت نیز به‌سختی در میان وکلا نهادینه خواهد شد.

بررسی تجربه کشورهای دیگر می‌تواند الگویی مفید برای ایران فراهم کند. در ایالات متحده، اکثر قوانین ایالتی وکلا را ملزم به داشتن بیمه مسئولیت حرفه‌ای می‌کنند؛ در غیر این صورت، وکلا باید به‌صورت کتبی به موکلان خود اعلام کنند که تحت پوشش بیمه نیستند. در بریتانیا نیز وکلای دادگستری (Solicitors) از طریق نهاد تنظیم‌کننده حرفه وکالت (SRA) موظف به داشتن بیمه هستند که این بیمه عموماً توسط شرکت‌های بیمه خصوصی ارائه می‌شود. در فرانسه، وکلا از طریق صندوق‌های مشترک حرفه‌ای بیمه می‌شوند که هزینه آن از حق عضویت سالانه آنها تأمین می‌شود.

این مدل‌ها نشان می‌دهد پیاده‌سازی بیمه وکالت می‌تواند به‌صورت اجباری یا اختیاری و با همکاری نهادهای حرفه‌ای و شرکت‌های بیمه انجام شود. با توجه به شرایط حقوقی و اقتصادی ایران، ایجاد بیمه وکالت نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی بین نهادهای مختلف است. شاید بتوان گفت نخستین گام، اصلاح قوانین موجود یا تدوین آیین‌نامه‌ای توسط کانون وکلای دادگستری است که مسئولیت حرفه‌ای وکلا و لزوم بیمه را تعریف کند. این قانون باید حدود پوشش بیمه، شرایط پرداخت خسارت و مسئولیت‌های وکلا را مشخص کند. در قدم بعدی، کانون‌های وکلا می‌توانند با شرکت‌های بیمه خصوصی یا دولتی وارد مذاکره شوند تا طرح‌های بیمه‌ای متناسب با نیازهای حرفه وکالت طراحی شود؛ این طرح‌ها می‌توانند به‌صورت گروهی (برای همه اعضای کانون) یا فردی (اختیاری) ارائه شوند. افزون بر این، مشابه مدل فرانسه، کانون‌های وکلا با همکاری صندوق حمایت وکلای دادگستری می‌توانند قسمتی از حق بیمه دریافتی از وکلا را به هزینه‌های جبران خسارت حرفه‌ای آنها اختصاص دهند. همچنین برای اطمینان از کارایی بیمه مسئولیت حرفه‌ای وکیل، باید نهادهای مسئول نظارت بر عملکرد شرکت‌های بیمه و رسیدگی به شکایات موکلان باشد؛ این نهاد می‌تواند زیرمجموعه کانون‌های وکلا قرار گیرد.

در نهایت، بیمه وکالت به‌عنوان ابزاری برای کاهش ریسک‌های حرفه‌ای وکیل و افزایش اعتماد به نظام حقوقی، می‌تواند تحولی مثبت در حرفه وکالت در ایران ایجاد کند.

در شهر خاکستری، آسمان دیگر آبی نیست،

خاکستری است؛ نه از غروب بلکه از غبار. نفس‌کشیدن در اهواز پر است از رنج، اضطراب و هزینِه. اینجا ریه‌ها پیش از دل، تنگ می‌شوند و کودکان با سرفه‌های خشک، آینده‌ای مبهم را آغاز می‌کنند. در خانه‌ها، غبار تا دل کمدها نفوذ کرده و در جان مردم، خستگی تا استخوان. اهواز سال‌هاست زیر بار آلاینده‌ها خم شده، اما هیچ‌کس صدای ناله‌اش را نمی‌شنود؛ نه در خیابان، نه در آمار، نه در تصمیم‌هایی که باید گرفته شوند و نمی‌شوند. آلودگی هوای اهواز در سال‌های اخیر همچنان در سطح بحرانی قرار دارد؛ در سال ۱۴۰۲،

گردوغبار تا دل کمد‌ها

آلودگی شدید هوای اهواز این روزها زندگی روزمره ساکنان را فلج کرده و حتی پناه‌گرفتن در خانه هم امنیت نفس‌کشیدن را سلب کرده است. یکی از اهالی اهواز در گفت‌وگو با «شرق» از تأثیر آلودگی شدید هوا بر زندگی روزمره شهروندان می‌گوید: «شرایط زندگی به‌شدت دشوار شده است. واقعاً نمی‌شود از خانه بیرون رفت؛ نه امکان انجام کارهای روزمره وجود دارد و نه می‌شود برنامه خاصی داشت. حتی در داخل خانه هم نفس‌کشیدن سخت است. گردوخاک آن‌قدر شدید است که اگر خانه‌تکانی کرده باشی یا محیط خانه را کاملاً تمیز کرده باشی، باز هم غبار تا داخل کمد‌ها نفوذ می‌کند. شدت آلودگی به حدی است که حتی پنجره‌های دوجداره نیز نمی‌توانند جلوی ورودش را بگیرند.»

او در ادامه با اشاره به مشکلات ساکنان مناطق روستایی اطراف اهواز می‌گوید: «اهالی روستاها که دور از شهر زندگی می‌کنند، به خدمات درمانی دسترسی مناسبی ندارند. اورژانس روستایی فعال نیست و فاصله تا مراکز درمانی شهری زیاد است. اگر کسی بر اثر آلودگی دچار مشکل تنفسی شود، ممکن است ساعت‌ها طول بکشد تا به بیمارستان برسد یا مجبور شود با وسیله شخصی خود را برساند. این وضعیت برای کسانی که بیماری‌های ریوی، قلبی یا تنفسی دارند بسیار خطرناک است. بچه‌ها هم آسیب‌پذیرند. مدارس به‌طور مداوم به دلیل آلودگی تعطیل می‌شوند و آموزش دانش‌آموزان به‌شدت آسیب دیده است.»

او درباره منشأ این گردوخاک اضافه می‌کند: «طبق گزارش‌ها، افراد دارای بیماری‌های قلبی و تنفسی در معرض خطر بیشتری قرار دارند. این خاکی که به سمت ما می‌آید، فقط گردوغبار نیست، بلکه آلوده است. منشأ آن کشورهای همسایه مثل عراق است؛ جایی که خاک آن به دلیل جنگ‌های گذشته، استفاده از مواد شیمیایی و حضور گروه‌هایی مثل داعش آلوده شده. حتی برخی می‌گویند بخشی از این خاک از سودان هم می‌آید؛ کشوری که خودش با مشکلات و بیماری‌های زیادی درگیر است. در نهایت، این آلودگی می‌تواند برای هرکسی مشکل‌ساز باشد؛ مخصوصاً برای سالمندان و افرادی که از پیش، زمینه بیماری دارند که بسیاری از آنها مجبور به بستری‌شدن در بیمارستان می‌شوند.»

خانه هم بپناه نیست

یکی از زنان ساکن اهواز نیز در گفت‌وگو با «شرق» از روزهایی می‌گوید که آسمان خاکستری، تنفس را به امری دشوار و زندگی را به تجربه‌ای فرساینده تبدیل کرده است. او از خانه‌ای می‌گوید که دیگر مأمنی امن نیست و از هوایی که حتی در چهاردیواری خانه نیز ریه‌ها را می‌سوزاند؛ «مدارس مدام تعطیل هستند و بچه‌ها از درس عقب افتاده‌اند. فقط مدرسه نیست که تعطیل شده؛ زندگی روزمره هم از حرکت ایستاده است. نگه‌داشتن کودک در فضای بسته خانه، آن‌هم در چنین شرایطی، کار آسانی نیست. تا چشم برمی‌داری، بچه از در بیرون رفته تا بازی کند، بدون آنکه بداند هوایی که تنفس می‌کند، ممکن است به قیمت سلامتش تمام شود. همین چند هفته پیش، گردوخاک دو روز بی‌وقفه ادامه داشت. نه راه فراری بود و نه جایی برای پناه‌گرفتن. حتی برای رفتن به سروبیس بهداشتی که در بسیاری از خانه‌ها در حیاط قرار دارد، باید از میان گردوغبار عبور کنی. در این فاصله کوتاه هم آن‌قدر خاک وارد بینی و دهان و ریه‌ات می‌شود که تا ساعت‌ها درگیرش هستی. احساس می‌کنی خفه شده‌ای. بچه‌ها به همین نفس‌های شسته، آینده‌شان را آغاز می‌کنند.»

برای آب سالم باید پول بدهیم

او از مشکلی دیگر نیز یاد می‌کند؛ مسئله‌ای که زندگی را حتی در غیاب گردوغبار هم ناامن کرده است: «آب لوله‌کشی قابل شرب نیست. ما مجبوریم برای آب سالم پول بدهیم. آن‌هم در حالی که قبض آب شهری را هم بی‌کم‌وکاست پرداخت می‌کنیم. آبی که از شیرها می‌آید،

اغلب گل‌آلود است و بوی بدی دارد. بارها باعث بروز بیماری‌های پوستی و عفونی شده، به‌ویژه برای زنان. فقط چند شهر محدود مثل ذرفول، شوش و اندیمشک به آب نسبتاً سالم دسترسی دارند. بقیه ما، هر روز باید برای جرعه‌ای آب قابل اطمینان، هزینه‌های سنگین بپردازیم. ۵۰۰ لیتر آب تصفیه‌شده نزدیک به ۲۰۰ هزار تومان قیمت دارد. این در حالی است که هیچ خدمات منظم یا حمایتی برای تأمین آب شرب به مردم ارائه نمی‌شود». این زن تصویری عجیب از روزمرگی مردم اهواز ترسیم می‌کند: «اینجا دیگر بیرون‌رفتن، انتخاب نیست؛ ریسک است. بیشتر مردم خانه‌نشین شده‌اند. خریدهای ضروری تنها دلیل خروج از خانه است. گردوخاک حتی به درون خانه‌ها هم نفوذ کرده است. وقتی از خواب بیدار می‌شوی، گلویت می‌سوزد، بینی‌ات گرفته است و سرفه مجال نمی‌دهد. خاک، تن آدم را هم تغییر می‌دهد. موه‌ا زیر و پوست خشک می‌شود. خستگی دائمی شده است. فعالیتت جز آنچه باید، دیگر ممکن نیست. فقط کسانی که شیفت کاری دارند، مثل نگهبان‌ها یا کارکنان شرکت نفت، مجبورند بروند سر کار. باقی مردم انکار در حسرنند؛ در خانه‌هایشان، در هوای بی‌هوا، در روزهایی که دیگر شب و روزش فرقی ندارد. انکار همه ما در سکوت زندانی شده‌ایم.»

مردم گرفتارند، نهادها منفعل

وضعیت این منطقه همه را نگران کرده است؛ به ویژه فعالان محیط زیست را که در جریان جزئیات هستند. یکی از آنها هم رضا گهستونی، فعال محیط زیست در خوزستان است. او به «شرق» می‌گوید: وضعیت بحرانی است؛ بحرانی که نه‌تنها سلامت مردم را تهدید می‌کند، بلکه زندگی روزمره، اقتصاد محلی، آموزش کودکان و حتی کارآمدی دستگاه‌های خدماتی را تهدید می‌کند. او درباره موج اخیر گردوغبار توضیح می‌دهد: «در روزهای گذشته، پدیده‌ای بسیار شدید و نگران‌کننده از گردوغبار بر خوزستان سایه انداخت. این آلودگی ناگهانی و شوک‌آور، نه‌تنها کل استان را درگیر کرد، بلکه زندگی عادی مردم را مختل کرد. بسیاری از ادارات، مدارس و مشاغل آزاد مجبور به تعطیلی شدند و تعداد زیادی از شهروندان به دلیل مشکلات تنفسی، چشمی و قلبی راهی مراکز درمانی شدند. این وضعیت واقعاً فاجعه‌بار بود.»

گهستونی با اشاره به پیامدهای متعدد این پدیده ادامه می‌دهد: «وقتی آلودگی به این شدت بروز می‌کند، باید از نهادهای مسئول مثل اورژانس، پادفد غیرعامل، ستاد بحران و شهرداری انتظار داشت دست‌کم با توزیع ماسک، اطلاع‌رسانی سریع و اقدامات پیشگیرانه از سلامت مردم حفاظت کنند. اما متأسفانه در بسیاری مواقع، نه اطلاع‌رسانی دقیق انجام و نه ماسک یا دیگر امکانات اولیه توزیع می‌شود. حتی پیش‌بینی‌های هواشناسی هم اغلب دقیق نیست. به‌طوری‌که ممکن است تا روز قبل اعلام شود هوا در وضعیت مطلوب است، اما ناگهان فردا صبح گردوغبار غافلگیرمان می‌کند». این فعال محیط زیست با تأکید بر دلایل زیست‌محیطی پدیده گردوغبار می‌گوید: «کاهش شدید بارندگی، خشک‌شدن یا کاهش دبی رودخانه‌ها، از

زندگی خاکستری خوزستانی‌ها

گزارش «شرق» از اهالی اهواز که در خانه‌هایشان هم پناهی برای نفس‌کشیدن ندارند



مریم لطفی

این شهر با ثبت ۲۱۱ روز دارای شاخص آلودگی بالای صد، آلوده‌ترین شهر ایران شناخته شد و در سه سال گذشته ۵۵ درصد از روزهای آن در شرایط ناسالم سیری شده است. در هفت ماه نخست سال

۱۴۰۳ نیز شاخص آلودگی به‌طور موقت تا ۱۲۲ بالا

رفت که نمود تداوم بحران زیست‌محیطی در این منطقه است. براساس داده‌های ارائه‌شده، در سال گذشته مجموعاً پنج‌میلیون و ۴۰۰ هزار نفر دست‌کم یک بار به بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های دانشگاه علوم‌پزشکی جندی‌شاپور اهواز مراجعه کرده‌اند. همچنین در هفت ماه اخیر سال ۱۴۰۳، آلودگی هوا باعث شده شمار مراجعات ناشی از مشکلات قلبی و تنفسی ۳۰ درصد افزایش پیدا کند و حدود ۲۵۱ هزار نفر به‌صورت مستقیم به این دلیل به مراکز درمانی اهواز مراجعه کنند؛ بیشترین تأثیر متوجه کودکان زیر شش سال بوده است.

بین رفتن تالاب‌ها و بی‌توجهی به پوشش گیاهی در حاشیه شهرها، زمینه‌ساز تبدیل اراضی به کانون‌های ریزگرد شده است. نبود فضای سبز کافی در شهرهایی مانند اهواز و اجرانشدن پروژه کمربند سبز، این وضعیت را تشدید کرده. همین حالا هم پوشش گیاهی در سطح شهرها به‌شدت ضعیف است و نهال‌کاری در حاشیه شهر یا اراضی بیابانی اطراف به‌درستی انجام نمی‌شود.

او به انتقاد از سیاست‌های کشاورزی و آبی نیز می‌پردازد: «یکی از اشتباهات بزرگ، انتقال آب به استان‌های دیگر برای صنایع آلاینده یا کشت محصولات آب‌پر در مناطق خشک است. الگوی کشت باید تغییر کند. کشت برنج یا هندوانه در مناطق کم‌آب توجیه ندارد. باید محصولات با نیاز آبی کمتر جایگزین شوند. در غیر این صورت، هم منابع آبی نابود می‌شوند و هم گردوغبار تشدید خواهد شد.»

گهستونی همچنین با اشاره به وضعیت خدمات درمانی در چنین شرایطی می‌گوید: «در روزهایی که گردوغبار اوج می‌گیرد، مراجعه به بیمارستان‌ها بیشتر می‌شود، اما خدمات درمانی نه‌تنها تقویت نمی‌شود، بلکه همان فرایندهای معمول، با مشکلات بیشتری مواجه می‌شود. مثلاً برای تزریق سرم یا گرفتن دارو، باید چند بار از درون بیمارستان به حیاط بروی و به داروخانه برسی تا هزینه‌ها را پرداخت کنی؛ این در حالی است که هوای بیرون آلوده است و همان مسیر رفت‌وبرگشت برای یک بیمار می‌تواند خطرناک باشد.»

او ادامه می‌دهد که حتی در مراکز درمانی اصلی اهواز مانند بیمارستان امام که زیر نظر تأمین اجتماعی فعالیت می‌کند، بیماران باید ابتدا هزینه‌ها را پرداخت کنند و بعد خدمات درمانی بگیرند: «در همین روزهای اخیر، هسوم به دلیل بیماری ناشی از آلودگی مراجعه کرد. دستگاه پرداخت داخل بیمارستان خواب و مجبور شدیم چند بار برای پرداخت هزینه‌ها از ساختمان بیرون برویم. داروخانه هم در حیاط قرار دارد. این روند واقعاً طاقت‌فرساست. آن‌هم وقتی بیمار از تنگی نفس یا ضعف رنج می‌برد.»

گهستونی این‌گونه صحبت‌هایش را تمام می‌کند: «ما بارها این موارد را گفته‌ایم، هشدار داده‌ایم، پیشنهاد داده‌ایم اما گوش شنوایی نیست. راه‌حل‌هایی چون ایجاد پوشش گیاهی، جلوگیری از انتقال آب، اصلاح الگوی کشت، دقت در پیش‌بینی وضعیت هوا، اطلاع‌رسانی سریع و ارائه خدمات رایگان درمانی در روزهای آلوده، همه اینها می‌توانند بخشی از راه نجات باشند، اما متأسفانه همچنان بحران بر زندگی مردم سنگینی می‌کند و هیچ اراده جدی برای مقابله با آن دیده نمی‌شود.»

نفس‌های به‌شمارافتاده

بحران ریزگردها سال‌هاست که استان خوزستان را در چنگ خود گرفته و تبعات گسترده آن از کشاورزی تا سلامت عمومی شهروندان را نشانه رفته است. قاسم آل‌کنیر، فعال مدنی ساکن اهواز، در گفت‌وگو با «شرق» درباره وضعیت بحرانی آلودگی هوا و ریزگردها در این استان می‌گوید: «مسئله ریزگردها در استان خوزستان موضوع جدیدی نیست، بلکه سال‌هاست که به عنوان معضلی تکرارشونده، زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده است. بیشترین حجم این ریزگردها در استان ما دیده می‌شود که یکی از دلایل اصلی آن، خشک‌شدن تالاب‌های منطقه به‌ویژه تالاب بین‌المللی هورالعظیم است؛ تالایی که میان ایران و عراق مشترک است و در نتیجه کم‌کاری در دو سوی مرز، بخش‌های وسیعی از آن خشک شده و هم جنوب عراق را درگیر کرده، هم خوزستان را.»

او با اشاره به خسارت‌های مالی این پدیده توضیح می‌دهد: «طبق آماری که در سال ۱۴۰۰ منتشر شده بود، سالانه حدود سه هزار میلیارد تومان فقط در اثر ریزگردها به زمین‌های زراعی و سکونتگاه‌های استان خسارت وارد می‌شود. خال اگر این رقم را با در نظر گرفتن نرخ تورم

فعلی در نظر بگیریم، بدون اغراق باید گفت که خسارت‌ها اکنون حداقل دو تا سه برابر شده است.» آل‌کنیر در ادامه از پیامدهای انسانی این بحران می‌گوید: «مسئله فقط مالی نیست. در حوزه سلامت هم آمارهای رسمی نشان می‌دهد که میزان ابتلا به مشکلات ریوی مانند آسم در خوزستان، دو برابر میانگین کشوری است». این فعال مدنی وضعیت روزهای هم‌راز با ریزگرد را چنین توصیف می‌کند: «در روزهایی که آلودگی به اوج می‌رسد، زندگی مردم برای ساعاتی متوقف می‌شود. انگار نفس‌کشیدن هم دچار وقفه می‌شود. همه چیز مختل می‌شود. متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که مسائلی همچون محیط زیست و میراث فرهنگی، در اولویت‌های تصمیم‌گیری کشور جایی ندارند. وقتی اولویت‌ها معطوف به نفت و درآمدهای آن باقی می‌ماند، نتیجه همین می‌شود؛ وضعیتی که نه‌تنها رو به بهبود نیست، بلکه روز به روز بدتر هم می‌شود.» آل‌کنیر به یکی از مشکلات پنهان ماجرا نیز اشاره می‌کند: «در آماری که رسانه‌ها منتشر می‌کنند، معمولاً به آمار مراجعات به بیمارستان‌ها در روزهای آلوده استناد می‌شود. اما واقعیت این است که این آمار تنها بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد. اهواز دومین شهرستان کشور از نظر تعداد حاشیه‌نشین‌هاست. بسیاری از ساکنان این مناطق، به دلیل مشکلات شدید معیشتی، حتی امکان مراجعه به مراکز درمانی را ندارند. این یعنی ما با یک آمار پنهان و بسیار گسترده از مبتلایان مواجه‌ایم که در محاسبات رسمی جایی ندارند». او با گلایه می‌گوید: «ما فعالان مدنی بارها هشدار داده‌ایم. از مسئولان، از تصمیم‌گیرندگان در پایتخت تقاضا داریم جان مردم خوزستان را جدی بگیرند؛ مردمی که هشت سال از عمرشان را در دوران جنگ آواره بودند و هنوز تبعات آن دوران را به دوش می‌کشند. خوزستان سرمایه ملی ایران است، اما سرمایه‌ای که نفس‌هایش به شماره افتاده و

روز به روز در مسیر فرسایش و ناامیدی گام برمی‌دارد.»

روایت یک شهروند عادی از وضعیت این روزها

«وقتی روزهای ریزگرد فرا می‌رسد، مادرم هم مثل بسیاری از همشهریانم گرفتار این معضل می‌شود. پزشکان می‌گویند چاره‌ای جز مهاجرت نداریم؛ این آلودگی نه‌تنها سلامت جسم را به خطر می‌اندازد، بلکه تبعات سنگینی بر زندگی اجتماعی ما هم تحمیل می‌کند. بسیاری از این افراد، نیروی کار توانمند استان هستند که ناچار به ترک خانه و کاشانه می‌شوند؛ این روایت یکی دیگر از اهالی اهواز در گفت‌وگو با «شرق» است. به گفته او، در خوزستان هر خانواده‌ای باید حداقل یک دستگاه تصفیه هوا و یک پمپ آب داشته باشد، اما هزینه‌ها چند ده میلیون تومانی این تجهیزات از توان قشر متوسط و ضعیف جامعه خارج است: «مادرم در خانه دانه خش‌خس می‌کند، وقتی به پزشک مراجعه می‌کنیم، بهترین متخصصان هم تنها راه را ترک خوزستان معرفی می‌کنند. زندگی در این روزها به‌شدت دشوار شده؛ نه می‌توان بیرون رفت، نه حتی در خانه احساس آرامش داشت. هر لحظه ترس داریم که وضعیت تنفس مادرم وخیم‌تر شود و دسترسی به درمانگاه‌ها برایش امکان‌پذیر نباشد.»

امروز چه خبر

قوه قضائیه به ماجرای مزاحمت‌های اورژانس ورود کند

ایستنا: سخنگوی سازمان اورژانس کشور از قوه قضائیه خواست به قضیه مزاحمان تلفنی اورژانس ورود کند.
یکتاپرست درباره مزاحمت‌های تلفنی شماره ۱۱۵ گفت: «شماره اورژانس، یک خط اضطراری است که در برخی شرایط، زندگی یک انسان به آن بستگی دارد؛ اما متأسفانه این خط توسط برخی افراد به نیت‌های مختلف اشغال می‌شود و شاید بیماری که دچار حمله قلبی یا سکته شده، در پشت خط معطل بماند و جانش در خطر بیفتد». به گفته او، در یکی از موارد فردی ۲۸۰ بار در چهارشنبه‌سوری سال گذشته برای خط اورژانس مزاحمت ایجاد کرد؛ «برای برخورد با این مزاحمان، سال‌هاست در حال تلاشیم، اما حقیقتاً به جایی نرسیده‌ایم». او ادامه داد: «در قانون مجازات اسلامی اگر فردی با تلفن مزاحم شود یا باید تلفن او قطع شود یا به مجازات حبس محکوم شود. این در حالی است که شماره این افراد حتی کاملاً مشخص نیز هست و تنها قطعی تلفن برای این افراد کافی نیست. شما تصور کنید که این مزاحمان که برخی از آنها واقعاً بیماران روانی هستند با شماره ۱۱۵ تماس می‌گیرند و ادعا می‌کنند که عضوی از خانواده‌شان در حال مرگ است؛ همکاران من نیز تنها پنج دقیقه فرصت دارند تا با آموزش فرد تماس بگیرند، جان فرد را نجات داده تا آمبولانس برسد. شما این شرایط استرس‌زا را در نظر بگیرید اما ناگهان فرد یک دفعه می‌خندد و همکارم متوجه می‌شود که این فرد مزاحم است». او افزود: «این اقدامات باعث می‌شود هم خط اشغال شود و نیروی اپراتور ما بی‌جهت وقت خود را تلف کند و هم خودروی ما و نیروهای ما در این ترافیک به ناکجاآباد اعزام می‌شوند که در حالی که مریضی وجود ندارد». او درباره پروسه طولانی شکایت از مزاحمان توضیح داد: «ما باید برای تکت‌ک این مزاحمان پرونده شکایت تنظیم کنیم و هرکدام از آنها مدتها زمان می‌برد که به نتیجه برسد و آن‌وقت نتیجه‌اش هم تنها مسدودکردن خط مزاحم است که این کافی نیست». یکتاپرست از قوه قضائیه خواست به عنوان مدعی‌العموم به این قضیه ورود کند: «در یکی از تماس‌ها صرفاً شش میلیون تومان جریمه در نظر گرفته‌اند. ولی مزاحمان تلفنی تهدیدهای اورژانس را با خنده پاسخ می‌دهند. متأسفانه هر بار در این زمینه بحث می‌کنیم، اتفاقاً به تعداد مزاحمت‌ها اضافه شده و آمار مزاحمت اورژانس گاه پس از گلایه‌ها بیشتر می‌شود.»

تحصیل ۲۱ درصد دانش‌آموزان تهرانی در مدارس غیردولتی

ایرنا: بر اساس اعلام مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران، ۲۱ درصد دانش‌آموزان در شهر تهران در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند که ۵۵ هزار معلم شاغل در مدارس دولتی و بیش از این عدد در مدارس غیردولتی فعالیت دارند.
پارسا در ادامه به شهریه مدارس غیردولتی تهران اشاره کرد و گفت: «برای تعیین شهریه فرایندی وجود دارد که مؤسس مدرسه فرم خوداظهاری پر می‌کند تا براساس برخی شاخص‌ها و معیارها سطح‌بندی برای شهریه انجام شود و البته در اداره کل آموزش و پرورش تهران تأیید و در شورای نظارت منطقه با توجه به فرم خوداظهاری نیز عدد پیشنهادی شهریه تأیید می‌شود». اوادامه داد: «شاخص‌های تعیین‌کننده شهریه موضوعاتی همچون نرخ تورم سالانه، کیفیت آموزش، نوع خدمات ارائه‌دهنده به دانش‌آموزان است، نرخ شهریه هنوز در سامانه بارگذاری نشده و قول داده شده تا آخر اردیبهشت‌ماه این موضوع محقق شود». او افزود: «ما توجه به اینکه اکثر برخی از مدارس ثبت‌نام به ثبت‌نام دانش‌آموزان اقدام می‌کنند، این مدارس با نرخ سال قبل حق دارند که پیش‌ثبت‌نام را انجام دهند و اگر پس از نسرخ اعلامی دانش‌آموز درخواست تحصیل در مدرسه‌ای دیگر را داشت، باید شهریه قانونی به او برگردانده شود». بر اساس اعلام این مسئول در آموزش و پرورش، ممکن است برخی از این مدارس از چراغ قرمز عبور کنند به همین منظور ما سامانه ثبت‌نام برای ایجاد کرد‌ایم که براساس اطلاعات موجود دو سال گذشته هزار شکایت در سامانه به ثبت رسید که به اینکه اکثر برخی از مدارس ثبت‌نام در بررسی‌هایی که انجام دادیم، ۵۵۰ رأی صادر شد که ۷۸ مورد این آرا ناظر به تخلفاتی بود که برای آنها رأی صادر شد. او تأکید کرد که ۵۰ مورد منجر به ثبت‌اخطار کتبی، توبیخ و درج در پرونده شد که در نهایت ۱۸ مدیر عزل و یک مدرسه نیز تعطیل شد.